

# اگر مسیح خداست، چرا دعا می کرد؟



اگر مسیح خداست، چرا دعا می کرد؟

مسلمانان این سوال را مطرح کرده اند که اگر مسیح خداست، چرا دعا می کرد؟ آیا در دعا خودش را مخاطب قرار می داد؟ اگر خدا واحد است، چرا به خودش دعا می کند؟ آنان ادعا می کنند خدا واحد است و نمی تواند مخاطب به خودش دعا کند.

قبل از پاسخ به این پرسش، ابتدا بایستی به اعتقادات مسلمانان درباره خدا و مسیح، نگرشی اجمالی داشته باشیم:

اگر مسلمانان به قرآن رجوع کنند، درمی یابند که خداوند و فرشتگان برای انبیا دعا می کردند (سوره احزاب آیات ۴۳ و ۵۶). واژه های عربی "یصلون"، "یصلی" و "صلاه" در ترجمه فارسی "درود" ترجمه شده، در حالی که در زبان عربی به معنای "نماز خواندن" است. در متن انگلیسی این آیات، زکری از "درود" نشده است. واژه "صلاه" در سوره هود آیه ۱۱۴، سوره اسرا آیه ۷۸، سوره نور آیه ۵۸ "نماز" ترجمه شده.

برخی از مسلمانان چنین تفسیر می کنند که خداوند برکاتش را فرستاد و نه دعا را. اما متن به زبان عربی است و کلمه "برکت" مشاهده نمی شود. واژه "برکت" در زبان عربی "برکت" (برکه) نوشته و خوانده می شود.

از سوی دیگر، مسلمانان تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) را نمی پذیرند، زیرا معتقدند که خدا واحد است.

خدا در مقابل بت های بی شمار واحد است. اما این سوال برای مسیحیان مطرح می شود: اگر شما

تثلیث را رد می کنید، چرا در قرآن روح خدا به طور مجزا فعال است:

” مسیح را با روح القدس تایید کردیم ” (سوره بقره آیات ۸۷ و ۲۵۳).

“عیسی پسر مریم را با روح القدس تایید کردم” (سوره مائده آیه ۱۱۰). در همین آیه ذکر شده عیسی حیات و زندگی می بخشد.

“خدا ایمان را در قلب مومنان گذاشته و با روح خود تایید کرده است” (سوره مجادله آیه ۲۲).  
روح خدا نه فقط به آدم جان داد (سوره حجر آیه ۲۹، سوره سجده آیه ۹۹)، بلکه به صورت شخصیت مستقل درآمد (سوره مریم آیه ۱۷).

خدا روحش را بر مریم دمید (سوره تحریم آیه ۱۲)

در سوره مائده آیه ۱۱۰ ذکر شده که عیسی حیات و زندگی می بخشد: او از گل، پرنده ای درست کرد. در آن می دمد تا جان گرفته و پرواز کند. عیسی مردگان را زنده کرد و بیماران را شفا بخشید. در سوره نحل آیه ۱۷ تفاوت خدا با بت ها ذکر شده: “آیا کسی که می آفریند، چون کسی است که نمی آفریند؟” به عبارت دیگر، خدا خالق است. او منبع حیات است و حیات می بخشد. مطابق تعلیم قرآن، خدا از “گل” انسان را آفرید (سوره انعام آیه ۲). در آیه دیگر ذکر شده که بت ها نمی توانند خلق کنند و یا قادر نیستند چیزی را که از آن ها به سرقت برده شد، پس بگیرند (سوره حج آیه ۷۳).

چرا خدا به مسیح عطایای مختلف بخشید؟ چرا خدا به مسیح اجازه داد تا شفا دهد، مردگان را زنده کند و از گل پرنده ای بسازد و به آن جان بخشد تا پرواز کند؟

مسیح در قرآن “کلمه خدا” و “روح خدا” نامیده می شود. هم چنین حکم شده که قبل از مرگ باید به مسیح ایمان آورد (سوره نساء آیه ۱۵۹). اگر مسیح فقط انسان و پیامبر بود، چرا ذکر نشده که به خدا ایمان آورید؟

تعلیم کتاب مقدس

لغت عبری برای خدا نه فقط اسم جمع است، بلکه به هنگام مطالعه عهد عتیق درمی یابیم که خدای واحد به صورت جمع سخن می گوید و خود را بیش از “یک” معرفی می کند. او در قالب جمع صحبت می کند! برخی معتقدند که خدا با فرشتگان سخن می گفت، در حالی که در گزارش آفرینش جهان، زکری از فرشتگان نشده و کتاب مقدس نیز تعلیم نمی دهد فرشتگان در آفرینش جهان دخالت داشته اند. به مثال های زیر توجه کنید:

“انسان را شبیه خود بسازیم، تا بر حیوانات زمین، ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند”  
(پیدایش فصل ۱ آیه ۲۶)

“حال که آدم مانند ما شده است و خوب و بد را می شناسد، نباید گذاشت از میوه درخت حیات نیز بخورد و تا ابد زنده بماند” (پیدایش فصل ۳ آیه ۲۲)

“پس زبان آن‌ها را تغییر خواهیم داد تا سخن یکدیگر را نفهمند” (پیدایش فصل ۱۱ آیه ۷)  
“چه کسی را بفرستم تا پیغام ما را به این قوم برساند؟” (اشعیاء فصل ۶ آیه ۸۸)

یهودیان عادت داشتند که عنوان “پدر” را به جای کلمه “خدا” به کار ببرند. آنان بر این باور بودند که تنها خودشان رابطه فرزندی با خدا دارند و او تنها پدر یهودیان است. عهد جدید، این نگرش غلط را اصلاح کرد. همه یهودیان فرزند خدا نیستند. فرزند خدا بودن امتیاز و افتخاری است که منحصر به کسانی است که توبه می‌کنند و به مسیح ایمان می‌آورند. بنابراین، فقط این افراد می‌توانند خدا را “پدر” بنامند. مسیح فقط خطاب به شاگردانش گفت: “پدر شما که در آسمان است” (متی فصل ۵ آیه ۴۵). مسیح فقط برای شاگردانش از خدا به عنوان “پدر شما” یا “پدر آسمانی شما” سخن گفت (متی فصل ۶ آیه ۶، ۸، ۱۴). عبارت “ما فرزندان خدا هستیم” (رومیان فصل ۸ آیه ۱۶) فقط در وصف کسانی نوشته شد که از طریق ایمان به خداوند عیسی مسیح، رابطه‌ای درست و شایسته با خدا دارند. یوحنا چنین نوشت: “ببینید خدا چه محبتی به ما ارزانی داشته است تا فرزندان خدا خوانده شویم” (اول یوحنا فصل ۳ آیه ۱).

#### خداوند عیسی مسیح

نباید فکر کنیم که چون خدای پدر را ندیده ایم، پس از این امتیاز محروم شده ایم. مسیح فرمود: “من و پدر یک هستیم” (یوحنا فصل ۱۰ آیه ۳۰). “کسی که مرا دیده، فرستنده من را دیده است” (یوحنا فصل ۱۲ آیه ۴۵). با مطالعه انجیل یوحنا درمی‌یابیم که الوهیت پدر و پسر متمایز است. یعنی خداوند مسیح، کاملاً متمایز از خدای پدر است. یکی جسم گردید و دیگری خیر. در عین حال، جلال مسیح همان جلال پدر است: “مسیح چهره دیدنی خدای نادیدنی است” (کولسیان فصل ۱ آیه ۱۵).

پیامبر به معنی پیام آور خداوند محسوب می‌شود. مسیح به عنوان نماینده تثلیث به زمین آمد. مانند سفیر یا وزیر امور خارجه یک دولت به کشور دیگر سفر می‌کند و حامل پیام دولت خویش است. مسیح پیام خدای پدر و روح القدس را با ما در میان گذاشت.

با این توصیف، خودش مدعی بود خداوند است که حداقل دو بار یهودیان می‌خواستند او را برای چنین ادعایی سنگسار کنند. حتی کاهن اعظم ردای خود را درید. دریدن لباس به معنای مخالفت به کفرگویی است. هیچکدام از پیامبران خود را خدا معرفی نکردند و هرگز به هنگام موعظه نمی‌گفتند این را من می‌گویم. آن‌ها فقط حامل پیام خدا بودند.

واقعیت این است که در الوهیت، سه شخص وجود دارند: پدر، پسر و روح القدس. این سه شخص تشکیل خدا را می‌دهند که در ذات یکی و در قدرت و جلال برابر هستند. این تعریف آموزه تثلیث است.

#### مسیح دعا می‌کرد

عیسی وقتی متولد شد، به پسر خدا تبدیل نشد. مسیح قبل از ظهور خود بر زمین، رابطه‌ای با خدا داشت. مسیح در تثلیث حضور دارد، همان‌طور که روح القدس حضور دارد. او همواره با پدر و روح القدس در ارتباط است. بنابراین، گفتگوی مسیح و پدر غیر طبیعی نیست. گفتگوی او با پدر نشان می‌داد که تثلیث واقعی است. زمانی که مسیح در جهان بود، دعای او به خدای پدر، نه فقط خدا بودن مسیح را

زیر سؤال نمی برد، بلکه نشانه رابطه اش در تثلیث بود. مسیح به شاگردانش یاد داد که چنین دعا کنند: "ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد... (متی فصل ۶ آیه ۹). بنابراین مسیحیان بنده نیستند. فرزندان خدا هستند.

عیسی بر روی صلیب فریاد زد: "خدای من، خدای من، چرا من را ترک کردی؟" (متی فصل ۲۷ آیه ۴۶). عیسی از خدا سؤال نمی کرد. او آیه اول از مزمور ۲۲ را نقل قول می کرد. این جمله، بیان عمیقی بود که مسیح با گرفتن گناه جهان بر خود و در نتیجه جدایی از خدای پدر، احساس کرد. درد و رنج بشری وحشتناک بود، اما بدتر از آن لحظه ای بود که باید روحا از خدا جدا می شد.

عیسی عذاب مرگ دوم را کشید تا ما در صورت حصول ایمان، هرگز جدایی ابدی را از خدا تجربه نکنیم. اگر مسیح اجازه نمی داد مصلوب شود، برای همیشه اعتبار خود را به عنوان نجات دهنده و پسر خدا از دست می داد. وقتی مسیح می پرسد: "خدای من، خدای من، چرا مرا تنها گذارده ای؟" اشاره به عملکرد تثلیث دارد (پدر، پسر، روح القدس).

مرگ به معنای نیستی و نبود قدرت نیست. وقتی یک پیامبر فوت می کند یا شهید می شود، آیا روح او نیز می میرد؟ یا این که وقتی پیامبری فوت می کند، روح او زنده است و به بهشت می رود؟ روح مسیح با مرگ نابود نشد، بلکه فقط جسم او مرد.

خدا بودن مسیح حتی در لحظه مرگش محرز بود. این خدای پدر نبود که جان می داد و نه خدای روح القدس که می مرد، بلکه قربانی خدا بود و نه چیزی کم تر، یعنی خدای پسر. در ارتباط صمیمانه با خدا متوجه خواهیم شد که روح القدس کیست و مسیح نیز شخصیت الهی دارد. مسیح بر روی صلیب غضب و لعنت کامل خدا را بر انسان های گناهکار احساس کرد. طی زمانی که عیسی بر صلیب آویخته شده بود، خدای پدر او را به راستی وا گذاشت. گناه ما بر عیسی افتاد و او برای ما گناه شد (دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۲۱).

در باغ جتسیمانی، فرشته ای آمد و عیسی را تقویت کرد، اما بر روی صلیب هیچکس او را تسلی و تقویت نداد. این بود بهایی که عیسی برای رستگاری ما، برای رهایی ما از خشم و غضب خدا پرداخت. به خاطر قربانی شدن عیسی، خدا اکنون گناهان ایمانداران را بخشیده و آن ها را عادل قلمداد کرده است. اکنون می توانیم مستقیماً به حضور خدا بیاییم. عیسی آخرین قربانی بود. قربانی دیگر، هرگز ضروری نخواهد بود.

کلام خدا تعلیم می دهد که مسیح پیوسته برای مومنان در حضور خدا وساطت (شفاعت) می کند (عبرانیان فصل ۷ آیه ۲۵).